

سخنران: عبدالحسین عربان - معاون دفتر توانبخشی حرفه ای
موضوع سخنرانی: مسائل مشکلات اشتغال معلولین

قبل از بحث پیرامون مشکلات اشتغال معلولین بنظر میرسد قرآن است
نامه‌ای که از دل و زبان یکی از معلولین برخواسته و اخیراً " وصول گردیده
است خالی از حُسن نباشد، این نامه در ۸ صفحه ورق بزرگ نگاشته شده که
خلاصه آن بشرح زیر است:

او عبدالعلی رو ساکن یکی از روستاهای مراغه میباشد. در ۵ سالگی مبتلا
به فلج اطفال گردیده و از دوپا فلج میشود. بعلت عدم توانبخشی، پاهایندرج
دفورمه و کج میشوند. بعد از دوبار عمل جراحی در سالهای ۵۲ و ۵۴ نتیجه‌ای
حاصل نمیگردد. او مسبب این معلولیت را سهل انگاری والدین در
واکسیناسیون میدانند.

بهر حال با مرور زمان الان میتواند فواصل کوتاه را بدون استفاده از عصا راه
برود. با همه مشکلات معلولیت و خانواده ۵ سال ابتدائی را در روستا با
نمرات عالی میگذراند. در سن ۸ سالگی مادرش در اثر زایمان فوت مینماید
و یکسال بعد با ورود نامادری مواجه میشود سعی میکند اذیت‌های نامادری و
مشکل معلولیت را تحمل کند، در سال ۵۹ به تنهایی و سختی فراوان و تحمل
هزینه در منزل یکی از اقوام در شهر دوره راهنمایی را به پایان رسانیده
و با ادامه همین مشکلات در سال ۵۶ دیپلم رادر رشته اقتصاد با معدل ۱۷ -
اخذ مینماید. تا دو سال بعلت نداشتن معافیت پزشکی در کنکور نمیتواند شرکت
کند و

با لخره درمهرماه سال ۶۷ با موفقیت وارد دانشگاه میگردد. او مشکلی خوابگاه دارد و دانشگاه اظهار میدارد که فاقد خوابگاه است. از آنجا که میخواهد ثابت کند که میتواند بر مشکلات ناشی از معلولیت فائق شود علی رغم طرز تفکر پدرش که بیسواد بوده و مشکلات او را درک نمیکرده است و تمایل نداشته فرزندش در تهران تحصیل کند، از طرفی نداشتن آشنائیی در تهران، در مناطق گران قیمت شهر با هدف نزدیک بودن به دانشگاه و روزها و شبها بدنبال اطاق اجاره‌ای می‌رود و با لخره به شهرک یافت آباد که تادانگاه چهارخط اتوبوس با ضافه سرپا ایستادهای طولانی فاصله دارد راهنمائی میگردد. با مسئولین دانشگاه که مشکل را مطرح میکنند اظهار میدارند که کاری از آنها ساخته نیست لذا ترك تحصیل میکنند.

در آذرماه سال ۶۷ در آزمون تربیت معلم شرکت و در سهمیه مراغه قبول میشود و چون گواهی عدم معلولیت از وی مطالبه میگردد مورد قبول واقع نمیشود در صورتیکه میدانند توانائی لازم را در زمینه مورد نظر دارد.

با لخره به این نتیجه میرسد که ادامه تحصیل را فراموش کند زیرا پدرش به سختی پول جیبی او را تأمین میکند و همیشه در این زمینه با اعتراض نا مادری نیز مواجه میگردد. با فکر اینکه تاکی میتواند با پول جیبی زندگی کند تصمیم میگیرد بدنبال کار برود. به هر جا میرود به معلولیتش نگاه میکنند و سپس میگویند از کار خبری نیست. به بهزیستی مراجعه میکند و از آن طریق به چند ارگان معرفی و موفق نمیشود و ادامه میدهد. حال پس از آن همه

دوندگیهای لنگان لنگان چهار سال است دوباره خانه نشین هستم و در کفج خانه باغم و اندوه زندگی را میگذرانم و همواره از اینکه وابسته بدیگران میشوم نگران هستم و هیچ کار فنی و کشاورزی هم نمیتوانم انجام دهم .
در پایان این شخص عزیز توصیه‌هایی نموده است که خلاصه آن ذکر می‌گردد .

۱- سازمان بهزیستی میبایست از اعتبارات مالی بیشتری برخوردار گردد .

۲- میدانیم که بیکاری چه برای افراد سالم و چه معلول فساد بدنبال دارد . فرد بیکار از نظر روانی همواره آشفته خاطر است و بدنبال مشغولیتی در جهت رفع تنهایی میباشد که ممکن است در جهت سالم و با انحراف کشیده شود . يك معلول با اشتغال در جامعه همواره روحیه اجتماعی بودن و با جامعه بودن خود را تقویت میکند و ثانیاً "انزوا طلبی و گوشه‌گیری در او از بین میرود و در واقع عقده حقارت و ناتوان بودن را بدور میسازد .

۳- طرز برخورد افراد جامعه و سازمانها و نهادها در زمینه اشتغال او باید منطقی باشد و به چشم يك ناتوان با او برخورد نشود و وقتی يك معلول تقاضای کار مینماید باید سطحی با او نگاه نکنند و حداقل پس از آزمونهای لازم نظرات خود را اعلام دارند .

والسلام ع - ر شهریور ماه ۱۳۶۹

قبل از اشاره به اصل موضوع مقدماتاً لازمست چند نکته زیر را مورد

توجه قرار داد.

۱- مسائلی که ذکر میشود ممکن است در مورد افراد غیر معلول نیز صادق باشد، ولی معمولاً معلولین را بمراتب بیشتری تحت الشعاع قرار میدهد و اثرات سوء آن نیز فراتر است، از طرفی باید اذعان داشت که معلولین بسیاری وجود دارند که کاملاً بر مشکلات فائق آمده و حضور بیشتری در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی نسبت به افراد غیر معلول دارا میباشند.

۲- معلولین مورد نظر و مشمول توانبخشی حرفه‌ای بالای ۱۴ سال، قابل آموزش حرفه‌ای و میبایست حداقل توانائی در انجام يك کار تولیدی و یا خدماتی و فکری را بالقوه داشته و بدو گروه اصلی تقسیم میشوند.

الف - معلولینی که میتوانند آموزشهای لازم را در يك دوره معینی بگذرانند و قابل جذب در بازار کار باشند.

ب - معلولینی که بر حسب نوع و شدت معلولیت دوره آموزش را نمیتوانند در يك مدت معین گذرانیده و نیاز به زمان طولانی دارند و بسختی در بازار کار جذب میشوند که این گروه را بیشتر معلولین عقب افتاده ذهنی، معلولین با معلولیتهای شدید و چند معلولیتهای تشکیل میدهند.

بر اساس برآورد آماری سازمان بهداشت جهانی حدودده درصد جمعیت جهان را افراد دارای نقص، ناتوانی و معلولیت تشکیل میدهند که تعداد معلولین با معلولیتها ی بارز بین ۴/۵ - ۳ دهم از این تعداد میباشد .
تعداد معلولین نیازمند به خدمات توانبخشی حرفه ای ۱/۰ بوده بعبارتی یک درصد جامعه نیاز به خدمات توانبخشی حرفه ای دارد . اگر جمعیت ایران را در حال حاضر به حدود ۶۰/۰۰۰/۰۰۰ نفر فرض نمایم حجم جامعه نیازمند به توانبخشی حرفه ای حدود ۶۰۰/۰۰۰ نفر در انواع مختلف معلولیتها میباشد .

بر طبق سرشماری سراسری سال ۱۳۶۵ ایران تعداد معلولین با معلولیتها ی قابل رؤیت ۴۵۲/۰۹۰ نفر و تقریباً " یک درصد جمعیت بوده که از این تعداد ۴۵۲۹۲ نفر بین سنین از ۱۵ الی ۴۰ سال و در شرایط استفاده از آموزش خدمات توانبخشی حرفه ای میباشد (افراد بالای ۴۰ نیز در اشتغال یا حمایت) -
در همین سرشماری از کل جمعیت ۴۹۴۴۵۰۱۰ نفری تعداد ۸۴۴/۵۶۱/۲۶ نفر (۵۴ درصد) را جامعه شهری و ۲۲/۳۴۹/۳۵۱ نفر (۴۶ درصد) را جامعه روستائی تشکیل میدهد . علی رغم آنکه جمعیت روستائی درصد کمتری را بخود اختصاص داده است ، معهذاتعداد معلولین آن بیش از ۵۰ درصد جامعه معلولین بوده و درخور توجه میباشد .

۴- اهمیت توجه به اشتغال معلولین از بُعد اقتصادی و اجتماعی اگر از اهمیت در رابطه با افراد غیر معلول بیشتر نباشد کمتر نیست زیرا به

تجربه ثابت شده است که اثرات سوء بیکاری در بین معلولین در مقایسه با افراد غیر معلول سریعتر آنان را با مخاطرات ناشی از بیکاری مواجه میسازد. از طرفی محدودیتهای شغلی که با توجه به معلولیت آنان وجود دارد شانس انتخاب دیگر مشاغل را کاهش داده و در صورت بیکاری آنان راه افرادی مصرف کننده و هزینه زامبدل مینماید.

مثلاً "یک مورد شغل تلفنچی را با دو متقاضی، یک نفر نابینا و یک نفر فرد غیر معلول در نظر میگیریم، با عنایت باینکه میدانیم نابینایان پس از آموزش بخوبی از عهده این شغل بر میآیند اگر فرد غیر معلول در این بخش شاغل شود فرد نابینا چند نوع شغل دیگر پیش روی دارد؟ وجه برنامه‌هایی برای کسب درآمد میتواند در پیش گیرد؟ مسلماً "مشاغل برای فرد نابینا محدودتر و برای فرد غیر معلول راههای اشتغال فراوان تر است. همچنین است اگر کاری که یک نفر معلول روی صندلی چرخدار بخوبی انجام میدهد به فرد غیر معلول واگذار شود و غیره....."

اشتباهات فوق باعث میشود که در طولانی مدت در یک جامعه نیروی افراد فعال در امور ساده تری و بطالت بگذرد و افراد غیر معلول به انزوا و گوشه‌گیری و مآلاً "بیماری و سرانجام نگهداری پرهزینه در مراکز دولتی و خصوصی کشیده شوند.

یک مورد تحقیق انجام شده توسط یک سازمان بین المللی توانبخشی خاطر نشان میسازد که توانبخشی حرفه‌ای اشخاص معلول از طریق جایگزینی درست و بجای این افراد در اشتغال خلاق به افزایش تولید ملی کمک میکند.

همچنین نتایج تحقیقات انستیتو توانبخشی ایرلند نشان میدهد که با ارائه هر یک لیبره که دولت برای خدمات توانبخشی در سال ۱۹۷۴ خرج کرده است مبلغ ۱/۸۲ لیبره از طریق پرداخت مالیاتها و پس اندازهای رفاه اجتماعی اشخاص معلول بدست آورده است .

مشکلات اشتغال معلولین رامیتوان در موارد زیر خلاصه نمود =

۱- محدودیت شغلی

صرفنظر از اینکه هر شغلی نیاز به تخصص ، مهارت و یاددانشی خاص دارد ، هر شغل نیز بنا بر ماهیت کاری خود احتیاج به توانائی ویژه و کاربرد ابزار گانمیکسی بدن را طلب مینماید که خوشبختانه بسیاری از مشاغل نیاز به فعالیت همه اعضا ، راندارد . در نابینایان ، معلولین فلج از سه عضو حرکتی ، همی پلژیها ، قطع از دست و پا و اپلژیها محدودیت شغلی بیشتر از سایر معلولین است . در صورت استفاده صحیح و گزینش بجادرتوانبخشی حرفه‌ای و انتخاب شغل مناسب با معلولیت ، معلول میتواند از بازدهی کامل و یاقابل توجهی برخوردار گردد . بطوریکه در کشورهای باتکنولوژی پیشرفته ، معلولین کوادری پلژی یا فلج کامل نیز با استفاده از وسایل و تکنیکهای خاص از اشتغال بی بهره نیستند .

۲- ضعف آگاهی

آگاهی به شناخت معلولیت و چگونگی ارتباط معلول و جامعه باتوانبخشی

مسائل ناشی از عدم آگاهی را در مراحل زیرمیتوان خلاصه نمود .

الف - شخص معلول:

درحالیکه معلولین از توان بالقوه ذهنی یا جسمی ویاتوأمأ " برخوردارند معمولا " این افراد بعلت یکسری مشکلات ، وقوف کافی نسبت به توانائیهای خود ندارند . در بسیاری مواقع روند زندگی فرد معلول بنحوی است که موجب گردیده در زمان تفکر به استفاده از خدمات حرفه‌ای با احساس حقارت و کمبود اتکاء بنفس، ترس از پذیرش کار و بارشته حرفه‌ای که بوی پیشنهاد میشود و گاه برعکس توقع وانتظارا ت بیش از حد معمول و پرخاشگری مواجه گردد و این مسائل در پذیرش حرفه از طریق معلول مشکلاتی را ایجاد مینماید و لاجرم در هنگام آموزش با سایر همکاران و مربیان و یا در زمان اشتغال با دیگر همکاران و کارفرما نتیجه مورد انتظار را نمیدهد و ممکن است منجر به ترك حرفه و كـار گردد (توجه به حل این مشکل در توانبخشی حرفه‌ای مدنظر میباشد) .

ب - کارفرما

کارفرمایانی که شناخت لازم را از توانائی معلولین ندارند با توجه به عوامل زیر در برابر اشتغال معلولین مقاومت از خود نشان میدهند .

- عدم آگاهی از توانائی بالقوه اشخاص معلول در انجام کار
- وجود عرضه کافی نیروی انسانی سالم در بازار کار

- روشهای محدودکننده استخدام بخصوص در مؤسسات بزرگ که شرایط و استانداردهای سلامتی جسمی و فکری خاصی را تعیین کرده‌اند.
- ترس از هزینه زیاد استخدام اشخاص معلول که بصورت بهره‌وری پایین و غیبت آنان ظاهر میشود.
- ترس از ایجاد تعهدات بیشتر بهنگام بروز حوادث شغلی و تأمین خسارات جسمی به کارگران معلول در صورتیکه کارفرمایان آگاهی لازم را کسب نمایند میتوانند مسائل یاد شده را دید خوشبینانه‌تری برخوردار نمایند بطوریکه در یک مطالعه بر روی ۲۳۱۵ نفر کارگر معلول که توسط اداره ملی خدمات اشتغال کانادا انجام شده است حاکی از آن است که فقط ۱/۸ درصد کارگران معلول بیشتر از کارگران غیر معلول دچار حادثه شغلی شده‌اند. تعداد ۱۳۵۶ نفر یا ۵۸/۶ درصد از کارگران معلول حوادثی برابر با موارد حوادث رخ داده برای کارگران غیر معلول داشته‌اند و ۹۱۷ نفر یا ۳۹/۶ درصد حوادثی کمتر را دچار شده‌اند.
- همچنین نتایج بدست آمده از یک مورد مطالعه در جمهوری عربی مصر حاکی است که قدرت بهره‌وری و تولید کارگران معلول ده درصد بیشتر از کارگران سالم و موارد غیبت از محل کار آنان نیز ۱۷ درصد کمتر از کارگران عادی بوده است.

جامعه‌ای که برای اعتقاد باشد که معلولین غیرمولد بوده و باید در محیط ط خانواده و یا سازمانها مخفی و تحت مراقبت قرار بگیرند چنین جامعه‌ای برای قبول ارائه پیشنهاد جذب اشخاص معلول در زندگی فعال شغلی کمتر آماج دارد . جامعه در صورت بینش ناآگاهانه در محل آموزش با برخورد ها و طرز تلقی های نابجای دیگر کارآموزان نسبت به معلول، در محل اشتغال با نحوه ارتباط و برخوردها از طرف دیگر کارگران و یاهمکاران و در خانواده با روابط بسیار دلسوزانه یا ستیزه جویانه ، جوفکری و کاری را برای معلول دشوار میسازد .

کارگران ممکن است نسبت به قبول يك شخص کارگر معلول در گروه خود بی تفاوت باشند زیرا تصور میکنند بهره‌وری کارگروهی و درآمدآ نهاد را اثر حضور شخص ناتوان در جمع آنها کاهش یابد . همچنین بعلت آنکه ممکن است در اثر اشتغال شخص معلول مزاحمت و وقفه‌ای در جریان روزانه ایجاد شود از جانب بعضی کارگران دیگر مقاومت‌هایی نشان داده شود .

در تحکیم بر اثرات مطلوب آگاه بودن جامعه در شناخت معلولین و چگونگی برخورد با آنان که همانا توانبخشی است اشاره به تعریفی از معلولیت که مأخوذ از انتشارات سال ۱۹۸۰ سازمان بهداشت جهانی در طبقه بنسدی بین المللی نقایص ، ناتوانیها و معلولیت خالی از حسن نمیباشد .

معلولیت (Handicap) عبارت است از محرومیت ناشی از نقص بیابا ناتوانی يك فرد مشخص که انجام وظیفه‌ای را که برای فرد (غیر معلول) عادی دانسته شده است محدود نموده و مانع گردد.

تعاریف دیگری در مورد معلولیت و معلول وجود دارد که وجه اشتراك همه حضور و مشارکت و پذیرش معلول را در جامعه مورد استفاده قرار میدهد. مثلاً " فردی که فاقد پامیبا شدن داشتن پاب عنوان نقص مشکل حرکت بعنـــــو ان ناتوانی ونحوه حضور در فعالیتهای جامعه بعنوان معلولیت وی قلمسداد میگردد. به تعبیر دیگر اگر جامعه آگاهی لازم ونحوه برخورد صحیح بامعلولین را داشته باشد در افزایش وتوانائیها معلول مؤثر بوده که میزان این تأثیرات میتواند تا حد کامل باشد.

۳. مسائل اقتصادی

الف - مسائل اقتصادی فردی و خانوادگی :

بسیاری از معلولین از طبقات محروم و مستضعف جامعه بوده و برخسبی نان آور خانواده و بعضی در کمك خرجی خانواده دخالت دارند. از آنجا که اکثر مشاغل نیاز به آموزش و مهارت خاصی دارند بخصوص در مورد معلولین که دوره های آموزشی طولانی تراست بعلت از دست دادن درآمـــــد از شغلی که گاه مشاغل کاذب را تشکیل میدهند از پذیرش حرفه وشغل مـــــولد ومورد نیاز جامعه منصرف میسگردند ولازمست این کمبودهای مالی جبر ان

و موجبات جذب آنان در حرفه مناسب فراهم گردد. این مشکلات در سطوح استفاده از آموزشهای کلاسیک و عالی نیز بعلمت مخارج اضافی ناشی از معلولیت نیز وجود دارد.

ب - مسائل اقتصادی جامعه

چنانکه بیکاری و کم کاری شدیدی بین افراد غیر معلول جامعه شیوع داشته باشد شروع برنامه بکارگماری اشخاص معلول با مشکلات زیادی روبرو خواهد بود و چنانچه کارگران غیر معلول و بیکار به تعداد زیادی وجود داشته باشند تعقیب و تشویق کارفرمایان به پذیرش اشخاص ناتوان دشوار مینماید، در چنین شرایطی است که لازمست اشتغال معلولین از حمایتهای خاص قانونی برخوردار گردد.

۴- آموزش

الف - آموزش کلاسیک :

کمبود آگاهی معلول و خانواده در چگونگی برخورد با معلولیت از یک طرف و کمبود شناخت بسیاری از دست اندرکاران آموزشی و با وجود موانع معماری در مدارس و دبیرستانها و دانشگاهها از طرف دیگر موجب میگردد که معلولین نسبت به افراد غیر معلول شانس کمتری در ورود به مؤسسات آموزشی پیدا کنند و از آنجاکه گذراندن رشته آموزش حرفه‌ای و یا اشتغال معمولاً " با دستن درجاتی از سودمواجه است این گروه از افراد جامعه فرصت کمتری برای

جذب در رشته‌های تخصصی پیدا مینمایند.

در مورد ناشنویان در سطوح فوق‌الذکر کمبود یاد عدم وجود رابط ناشنوا با میان در برقراری ارتباط صحیح بین دانش آموز و همکلاسان و اساتید وجود دارد. کمبود وسایل آموزشی و کمک آموزشی نابینایان نیز باعث کاهش پیشرفت‌های آنان نسبت به دانش آموزان غیر معلول میگردد. وجود مشاور آشنا به فعالیتهای توانبخشی و امور اجتماعی کمک مؤثر در حل این مشکلات داشته باشد.

ب - آموزش حرفه‌های

ب - ۱ انتخاب رشته آموزش معلولین اگر متناسب با نوع و شدت معلولیت، تواناییها، استعدادها و علائق فرد معلول انجام نگیرد، تنهادر بسیاری موارد منجر به عدم موفقیت معلول و کارگزاران و اتلاف هزینه میگردد بلکه ممکن است باعث تشدید معلولیت آنان شود در چنین مواردی معمولاً "از توان بالقوه فرد معلول استفاده نمیشود و یا توان آنان در جهت نامناسب صرف میگردد و در چنین شرایطی است که در فرد معلول احساس حقارت تقویت شده و بتدریج مورد استثمار کارفرما قرار میگیرند.

ب - ۲ محتوای رشته‌های آموزشی

تأیید گواهینامه گذراندن دوره‌های حرفه‌ای رایج از طرف وزارت کار و امور اجتماعی که بانی اشتغال کشور است منوط به فراگیری رشته‌های آموزشی با استانداردهای تعیین شده در درجات ۱ و ۲ میباشد.

که این امر برای تعداد قابل توجهی از معلولین امکان پذیر نبوده و ما لا " موفق به اخذ گواهینامه معتبر نمیگردند. در صورتیکه تا قبل از سال ۱۳۶۵ معلولین پس از کسب آموزشهای لازم حرفه‌ای در مراکز توانبخشی حرفه‌ای در صورت عدم موفقیت با درجات فوق الذکر معمولاً " به اخذ گواهینامه های درجه ۳ نائل و میتوانستند با اعتماد کافی در بازار کار و یا مستقلاً " در رشته های ذیربط فعالیت نمایند. به تعبیری کمیت و کیفیت مهارت درجه ۳ را میتوان با سیستم آموزش مدولار و اشتغال که روش نسبتاً " جدیدی بوده و در دیگر کشورهای نیز رایج است مشابه دانست. بر اساس این روش اشخاصی که میتوانند حرفه‌ای را احراز نمایند دقیقاً " آزمون میشوند ترکیباتی از مهارتها و وظایف پاره کارهای موجود در یک حرفه را با یکدیگر ترکیب و ردیف کرده و بعنوان پارکارها و وظایف اساسی و مفید قلمداد میکنند.

ب - ۳ - تجهیزات :

معمولاً " افرادی که دارای نقص و ناتوانائیهای ضعیف میباشند میتوانند از خدمات آموزش افراد غیر معلول استفاده و مشکلات خود را در شرایط عادی جامعه حل نمایند. اما در مورد معلولین شرایط و وضعیت تجهیزات آموزش میبایستی با عنایت به نوع و شدت معلولیت متناسب سازی گردد. این امر در مورد معلولینی که از خدمات توانبخشی حرفه‌ای استفاده مینمایند رعایت میگردد گوا اینکه تجهیزات موجود توانبخشی

کما بیش فرسوده و مدرنیزه نبوده و کیفیت آموزشی راتحت الشعاع قرار میدهد.

ب- ۴ نیروی انسانی مراکز توانبخشی حرفه‌ای

با ظهور پیروزمندان انقلاب اسلامی بعلت نیاز مبرم معلولین به استفاده از خدمات توانبخشی حرفه‌ای، اینگونه مراکز بسرعت گسترش و تا ۵۰۰ درصد افزایش یافته است. از آنجا که گسترش سریع کمی طبیعتاً نمیتوانست به تناسب، توسعه کیفی را بویژه در رابطه با تخصص و نیروی انسانی ماهر بدنبال داشته باشد، لذا برخی از مربیان توانبخشی حرفه‌ای از سطح دانش و مهارت استاندارد برخوردار نبوده و این امر نیز در کیفیت آموزش معلولین دخالت مینماید و لازمست که وزارت کار و امور اجتماعی در رفع این نقیصه کمکهای لازم را معمول دارد.

۵ - موانع شهری و معماری و فیزیکی

الف - شهری

موانع فیزیکی بیشتر در مورد معلولین جسمی حرکتی و نابینایان نمایانگر بوده و در مورد معلولین ناشنوا و عقب افتاده ذهنی بنحوی دیگر اثر میگذارد. گرچه خوشبختانه متناسب سازی شهری و معماری اماکن عمومی در ارتباط با معلولین طی فعالیت ارگانهای دست اندرکار در تاریخ ۶۸/۳/۸ به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری

ایران رسیده است معهذرا در حال حاضر این مشکلات وجود دارد .
 مشکلات حضور در محل کار معلولینی که نارسائی حرکتی و بینائی دارند
 از منزل شروع میشود . آنان هر روزی که میخواهند خود را بمحل کار
 برسانند ، عبور از درها ، پلهها ، پلها ، چاله چوله ها ، جداول سدمعبرها ،
 موانع هوائی ، سوار و پیاده شدن آنها از وسایل نقلیه و غیره در نظرشان مجسم
 میگردد و هر چه شدت معلولیت بیشتر باشد مشکلات افزون تر میگردد . يك
 معلول روی صندلی چرخدار وقتی به جدول یا پلی برخورد نماید عبور از آن
 برای او همانست که فرد غیر معلولی از دیواری چند متری بدون وسیله
 عبور نماید .

موانع هوائی و گودالها بارها برای نابینایان حوادث ناگوار آفریده است .
 این قبیل مسائل در روحیه فرد معلول برای حضور در محل کار اثر میگذارد .
 وجود سرویس عمومی مناسب مربوط به مؤسسه و محل کار و همچنین استفاده
 از وسیله نقلیه شخصی میتواند حدود زیادی از مشکلات ایاب و ذهاب را
 حل نماید که متاسفانه چند سالست معلولین از سهمیه وسیله نقلیه محروم
 شده اند .

ب - موانع فیزیکی در محل کار

باتوجه باینکه در طراحی بسیاری از ساختمانهای تجاری و حتی ولتسی
 تسهیلات لازم برای معلولین منظور نگردیده است . رفت و آمد معلولین
 در این ساختمانها با موانعی از جمله کم عرضی درها ، وجود پلکانها ،

نامناسب بودن سرویسهای بهداشتی و با لایحه موانعی که باعث میشود یک فرد معلول نتواند به سهولت به واحدهای مورد نیاز دسترسی پیدا کند ، مواجه میگردد در این شرایط فرد معلول میبایست برای انجام فعالیتهای روزمره زحمات بیشتری را نسبت به همکاران غیر معلول متحمل شود .

۲- ب تجهیزات و وسایل کار

تجهیزات و وسایل کار اگر از دید توانبخشی در نظر گرفته نشده باشد علاوه بر کاهش در بازدهی کار ممکن است موجب تغییر شکل اندام و تشدید معلولیت شده و در فرد خستگی جسمی و روحی ایجاد نماید .

۶- کمبود تجهیزات و سرمایه کار و مشکلات جنبی

الف - سرمایه و تجهیزات

همانطور که در بخش مسائل اقتصادی بند الف اشاره شد معلولین اغلب از قشر محروم و مستضعف جامعه بوده و برخی از آنان به علت نوع و شدت معلولیت و شرایط خاص در صورت وجود امکانات مالی و وسایل سرمایه‌ای ترجیحا " میتوانند از طریق خوداشتغالی هزینه زندگی خود و خانواده را تامین نمایند که متأسفانه اکثرا " فاقد امکانات مالی مورد نیاز میباشند . به فرض آنکه اعتبارات لازم مالی فراهم گردد تهیه برخی از وسایل سرمایه‌ای بانرخ دولتی با کمبود شدید مواجه میباشد . این وسایل بیشتر شامل انواع چرخهای خیاطی صنعتی و خانگی و همچنین

دستگاه‌های بافندگی میگردونه تنها در اختیار معلولین آموزش دیده و آماده کار قرار نمیگیرد بلکه آنانکه با داشتن چنین وسایلی ارتسزاق مینموده اند و وسیله‌اشان بعلت قدمت و کار از دور خارج گردیده از این وسایل محروم و لاجرم به سیل مستمری بگیران افزوده میشوند.

این نارر سائیهان تنها در مورد معلولین بطور انفرادی وجود دارد بلکه عده‌ای که مشتاق و آمادگی به شراکت در سرمایه گذاری یا تشکیل شرکتهای تعاونی تولید که از هسته‌های اقتصادی مملکت میباشدند قادر به انجام چنین کارهایی نمیگردند.

کمبود مواد اولیه بانرخ دولتی خود بر مشکلات خوداشتغالی و شرکتهای تعاونی تولید معلولین موجود افزوده و گاه موجب رکود کاری و یا تعطیلی آنها شده است.

اهم این مواد ترکیبات پلی اتیلن، نخ، پشم، پارچه، مشمع، فلزات و غیره میباشد.

استفاده از سهمیه و ارز کافی در این زمینه‌ها گره گشا خواهد بود.

ب - مشکل محل کار

۱ ب مشکل محل کار در منزل

این مسئله معمولاً " برای معلولین مستأجر که مشاغلی مثل ساخت کیسه‌های نایلونی و از این قبیل وجود دارند نابینایان بخوبی از عهده این کار بر میآیند و میتوانند در آمد آن به استقلال اقتصادی برسند.

این مشاغل که ممکن است کمابیش بوی نامطبوع در محوطه خانه متصاعد سازد با برخورد موجه مواجه میشوند.

۲- ب اشتغال سرمایه‌های

تأمین محل کار از کیوسک و دکه گرفته تا تشکیلات بزرگ و شرکت‌های تعاونی بعثت با لابودن قیمت‌ها از یک طرف و وجود مقررات خاص شهرداری از طرف دیگر امکان ایجاد اشتغال سرمایه‌ای را برای معلولین بسیار ضعیف و محدود کرده است. ایجاد کیوسک‌ها و غرفه‌های زیبا بنحوی که باعث سد معبر نشده و لطمه‌ای به زیبایی شهـر نرسانند در اماکن عمومی مثل پارک‌ها، زیرپله‌ها، هوائی، مترو و دیگر مناطق خاص میتواند برای معلولین اشتغال زا و عده زیادی را بخود جذب نماید.

۸ مشکلات اجرایی قوانین حمایت از اشتغال معلولین و نیاز به حمایت‌ها

در بسیاری از کشورها از جمله امتیازاتی که برای معلولین در جامعه قائل میشودند درصدی از استخدام‌ها بعنوان سهمیه به معلولین اختصاص داده میشود چنانچه کارر فرمایان اتریشی که دارای ۲۵ نفر یا بیشتر کارگردارند ۴ درصد یا حداقل ۵۰ درصد کارآئی، در بلغارستان تا ۱۰ درصد، در قبرس ۲ درصد، و در فرانسه ده درصد از معلولین عادی و ناشی از جنگ، در جمهوری فدرال آلمان ۶ درصد افراد شدیداً معلول در ژاپن ۱/۵ تا ۱/۹ درصد، در پاکستان یک درصد،

در اسپانیا ۷ درصد، در ترکیه ۷ درصد و در بریتانیا ۳/۰٪.

در ایران تا قبل از انقلاب اسلامی سهمیه‌ای بمیزان یک درصد استخدامی برای معلولین در نظر گرفته شده بود که این رقم بعد از انقلاب اسلامی طی لایحه قانونی تشکیل سازمان بهزیستی کشور بین ۲ تا ۵ درصد و سپس طی

مصوبه ۵۸۲۰۰ مورخ ۶۵/۱۰/۹ هیئت وزیران به ۳ درصد افزایش یافت.

اجرای این قانون ابتدا با پذیرش نسبتاً مناسب همراه بود و تدریجاً قوت خود را از دست داد بطوریکه از تعداد ۱۱۵۴ نفر معلولینی که در سال ۱۳۶۷ با کوشش سازمان بهزیستی کشور کارایی و شاغل شده اند تعداد ۱۷۸ نفر از محل قانون بکارگماری ۳ درصد استخدام گردیده اند و از بقیه افراد ۵۸۴ نفر در بازار آزاد، ۲۷۴ نفر اشتغال سرمایه‌ای و ۱۱۸ نفر اشتغال در منزل بوده‌اند.

همچنین در الویت قرار دادن استخدام نابینایان در ارگانهای دولتی و مؤسسات وابسته در برخی از مشاغل مثل تلفنچی موضوع مصوبه بهمنماه ۱۳۵۸ شورای انقلاب اسلامی نیز تقریباً به بوته فراموشی سپرده شده است.

"بر اساس برنامه پنجساله سالانه ۳۹۴ هزار شغل ایجاد خواهد شد. نسبت

فعالیت‌های خدماتی از ۴۷/۲ درصد فعلی به ۴۵/۵ درصد در پایان برنامه

کاهش خواهد یافت."

آمار فوق‌گرفته نسبت به ایجاد اشتغال در سالهای قبل چشمگیر است و لسی چنانچه فرض کنیم ۳ درصد از این مشاغل در مؤسسات دولتی و بازار کار به معلولین تخصص یا بدسهمی معادل ۱۱۸۲۰ شغل خواهد بود در صورتیکه با احتساب افزایش جمعیت با ضریب ۳/۴ درصد و با در نظر گرفتن برآورد آمار

سازمان بهداشت جهانی (يك درصدا فرادجامعه نیازمند به خدمات توانبخشی حرفه‌ای) سالانه بیش از ۶۰/۰۰۰ نفر معلول جدید اضافه که حدود ۲۰/۰۰۰ نفر اضافه برآمار موجود وارد صحنه پذیرش توانبخشی حرفه‌ای می‌گردند و با احتساب آمار ارائه شده در مورد معلولین با معلولیت‌های قابل رؤیت با مأخذ سرشماری سال ۶۵ سالانه بیش از ۵۰۰۰ نفر وارد طیف توانبخشی حرفه‌ای اضافه — معلولین موجود می‌گردند. این در شرایطی است که طی بررسی انجام شده دفتر توانبخشی حرفه‌ای تا پایان سال ۱۳۶۸ تعداد کل معلولین شاغل در اکثر قریب باتفاق مو"سات دولتی و وابسته (۲۲۸ مو"سه) ۵۳۹۱ نفر بوده که از این تعداد ۳۸۶ نفر نابینا، ۳۷۳ نفر ناشنوا و ۴۶۳۲ نفر جسمی حرکتی بوده‌اند که تعداد ۱۸۰۴ نفر دارای تحصیلات ابتدائی و ۲۹۶۳ نفر متوسطه و ۵۳۵ نفر — تحصیلات عالی داشته‌اند.

معلولین عقب افتاده ذهنی که منظور نظر این بحث آموزش پذیرها میباشند، با توجه به موانع قانونی که در عقد قراردادها و استخدام و غیره برای آنان وجود دارد در صورت بکارگماری و عدم توجه کافی ولی آنان، ممکن است مورد استثمار و بهره‌کشی بیش از تحمل قرار گیرند. برخی از اینگونه معلولین میتوانند کارگران بسیار خوبی باشند و محدودی از آنان نیز احتمالاً " با توجه به فاکتورهای کنشی و از گانیک دچاری قرار می‌نمایند از آن گردند. خوشبختانه برخورد با این گروه از معلولین در روستاها بطریقی است که نسبت به جامعه شهری بیشتر جذب کار می‌گردند و شاید یکی از عوامل نیز ساده و محدود

بودن حرف در روستاها باشد .

نظریه اینک که معلولین حمایتی بسختی جذب بازار کار میگردند حمایت بیشتر دولت و بخش خصوصی از طریق ایجاد کارگاههای حمایت شده (تولیدی حمایتی) تعاونیهای خاص معلولین و توسعه اشتغال خانگی در کمک به این افراد ضروریست تا نه تنها از تولیدات این گروه در جامعه استفاده گردد بلکه فعالیت اقتصادی و اجتماعی نیز تحت الشعاع مسائل معلول واقع نگردد و سهم بیشتری را در توسعه اقتصادی اجتماعی کشور بخود اختصاص دهند .

لذا ضمن ضرورت تأکید دولت بر اجرای دقیق قوانین وزن شده بسیاری از مشکلات معلولین میتواند با تدوین قوانین جدید مورد توجه و کمک قرار گیرد .

بهر حال مسائل مشکلات اشتغال معلولین را نیز نظیر سایر مسائل اقتصادی کشور میتوان ناشی از سه عامل عمده بیان نمود :

۱- " جنگ تحمیلی و پیامدهای اقتصادی آن "

۲- کاهش قیمت نفت و درآمدهای ارزی کشور

۳- رشد نسبتاً سریع جمعیت و مسائل مرتبط به آن

در رابطه با بندهای فوق الذکر کل خسارات وارده مستقیم و غیرمستقیم از شهریور ماه ۱۳۵۹ تا تیر ماه ۱۳۶۷ مبلغ ۶۵۳۵۳/۴ میلیارد ریال برآورد شده است معاهدات قوت و پیمانسیلهای رشد و توسعه اقتصادی کشور علیر غم همه خسارات وارده به آن میزانی هست که ایران کاملاً به تحقق اهداف برنامه توسعه خود و موفقیت در جلب همکاریهای بین المللی خوش بین

سازمان بهزیستی کشور با توجه به مسائل یاد شده و در راستای توسعه اقتصادی اجتماعی کشور با بهره گیری از توانبخشی کوششهای فراوان در جهت تنگناهای مورد اشاره نموده و اثرات این فعالیتها در جامعه مشهود و نمایان است اما این سازمان برای پاسخگویی بهتر و مورد انتظار و در قبال تعهدی که قانون به آن واگذار کرده است خود دارای مسائل مشکلاتی است که میبایست بمراتب بیشتر مورد توجه قرار گیرد. که بطور کاملاً خلاصه بذکر مشکلات ذیربط اشاره میشود.

مشکلات سازمان بهزیستی کشور در توانبخشی حرفه‌ای معلولین

مشکلات سازمان بهزیستی کشور جدای از مشکلات یاد شده در مورد معلولین نیست و همان مسائلی است که سازمان آنرا بعنوان مشکل خود در رسیدگی به معلولین تلقی مینماید.

هرچه این ارگان در جوانب مختلف بیشتر تقویت گردد بازده بیشتری در جهت رفع مشکلات معلولین خواهد داشت. سازمان بهزیستی کشور از بدو تأسیس (۱۳۵۹) تا کنون توانسته است در زمینه‌های ایجاد و توسعه کمی و کیفی مراکز و فعالیت‌های توانبخشی را نسبت به قبل از انقلاب تا حدود ۵۰۰ درصد افزایش دهد (۷۴ مرکز و ۲۶۸ کارگاه آموزشی و حمایت شده) معذاً این امر پاسخگویی نیازهای معلولین نبوده و دارای نارسائیه‌ها و مشکلاتی است که

۱- اعتبارات مالی

الف - کمبود اعتبارات :

با توجه به حجم آماری معلولین موجود و افزایش روزافزون جمعیت ، رسیدگی بمشکلات معلولین در راستای برنامه پنجساله ، کمکهای سرمایه‌ای ، آموزش حرفه‌ای ، ماده ۱۷ ، تهیه تجهیزات مراکز و خدمات مورد نیاز ، احتیاج به اعتبارات بیشتری داشته و اعتبارات موجود بهیچوجه تکافوی پا سخگوئی نبوده و نیاز به بررسی و تجزیه و تحلیل بیشتری دارد .

ب - نحوه استفاده از درآمدهای اختصاصی :

چگونگی استفاده از درآمدهای اختصاصی که سهمی از آن از طریق تولیدات کارگاههای حمایت شده تامین میگردد ، بعلت ضوابط خاصی مالی موجبات رکود و یا تعطیلی برخی از کارگاههای حرفه‌ای فراهم نموده است و این امر شرایطی را بوجود آورده است که دست اندرکاران ذیربط نتوانند موقع نسبت به خرید و تهیه مواد اولیه اقدام وانگیزه کاری بیشتری برای معلولین حمایت شده و مربیان ذیربط فراهم نمایند لذا باعث افزایش هزینه و بازدهی کمتر میگردد .

میدانیم نیروی انسانی از گرانبها ترین سرمایه يك جامعه است و مملکت برای آموزش و مجرب نمودن افراد هزینه‌های زیادی متحمل میگردد، شرایط کار با معلولین از يك طرف و جاذبه بازار آزاد کار و ارگانهای که دارای امتیازات بیشتری از بهزیستی میباشند از طرف دیگر، انگیزه خروج از خدمت یا انتقال مریبان و نیروی انسانی دست اندر کار را تقویت نموده و ممکن است بسیاری از این افراد نیز تغییر شغل داده و از تجارب گذشته اش استفاده نشود و لذا این سازمان را مستمرا " با کمبود نیرو مواجه میسازد."

۳- تجهیزات

مراکز توانبخشی حرفه‌ای موجود نه تنها با کمبود تجهیزات مواجه است بلکه وسایل و تجهیزات فعلی قدیمی و کمابیش ^{فرسوده} و بی‌نیاز به قطعات یدکی دارند و این موضوع را نیز آقای نیسوانماینده سازمان بین المللی کار (I.L.O) در بازدیدی که سال ۱۳۶۸ از مراکز توانبخشی حرفه‌ای ایران داشته اند در گزارش خود قید نموده و مورد توجه قرار داده اند. لذا با پیشرفت صنعت و تکنولوژی و جایگزینی ماشین آلات جدید و مدرن لازمست این مشکلات مورد بررسی و رسیدگی قرار گیرد.

اغلب ساختمانهای مراکز توانبخشی حرفه‌ای قدیمی بوده و برای فعالیتهای حرفه‌ای معلولین طراحی نشده است . لازم است در زمینه تعمیر و احداث ساختمانهای جدید در حد مورد نیاز اقدام گردد .

۵- همکاری سازمانها و مردم

فعالیت سازمان بهزیستی کشور در زمینه توانبخشی و فقرزدایی بنحوی است نهائی که بدون استفاده از امکانات دیگر ارگانها و نهادهای موفق خواهد ماند، ارگانی که بنحوی میتوانند در تأمین نیازهای معلولین از جمله اعتبارات ارزی و ریالی، سهمیه مواد اولیه و وسایل رفاهی و سرمایه‌های، آموزش اشتغال، آگاهسازی جامعه و غیره کمک نمایند میبایست روابط تنگاتنگ با بهزیستی داشته باشند و این سازمان رایاری نمایند .

کمکهای مردمی به این سازمان از درجه مطلوبی برخوردار بوده و قابل تقدیر است با امید آنکه اینگونه کمکها روز افزون گردد .

- ۱- کتاب ایران در آئینه آمار نشریه شماره ۷ مرکز آمار ایران
- ۲- کتاب اشتغال اشخاص ناتوان ، اصول راهنمایی بکارگماری گزینشی ، از انتشارات دفتر بین المللی کار ۱۹۸۴ ترجمه رضا فرزام فر
- ۳- سخنرانی جناب آقای روغنی زنجانی معاونت محترم ریاسته جمهوری و رئیس سازمان برنامه و بودجه روزنامه شماره ۱۹۱۱۳ مورخ ۲۳ مردادماه ۶۹ روزنامه اطلاعات صفحه ۱۱
- ۴- بررسیهای دفتر توانبخشی حرفه‌ای سالهای ۶۸ و ۶۹
- ۵- سخنرانی جناب آقای میرخانی در گردهمایی مورخ ۸/۱۱/۱۷ مسائولین توانبخشی، مأخذ نشریه سازمان بهداشت جهانی ۱۹۹۰